

مواد مهم قانون اجرای احکام مدنی

تدوین :

سعید شاکر

Saeid ۲۷۵@yahoo.com (ایمیل)

Dadban ۱۳۶۵.kajblog.ir (آموزشکده تخصصی حقوق)

Dadban ۱۳۶۵.Blogfa.com (وبلاگ حقوقی سعید شاکر)

Telegram.me/dadban ۱۳۶۵ (کانال آموزشکده تخصصی حقوق در تلگرام)

ماده ۱ - هیچ حکمی از احکام دادگاههای دادگستری به موقع اجرا گذارده نمی‌شود مگر این که:
✓ **قطعی شده یا قرار اجرای موقت** آن در مواردی که قانون معین می‌کند صادر شده باشد.

نمونه تست: احکام دادگاه های دادگستری علی الاصول وقتی به موقع اجراء گذارده می شوند که :
۱. قطعی شده باشند.

ماده ۲ - احکام دادگاههای دادگستری وقتی به موقع اجرا گذارده می‌شود که:
✓ به محکوم علیه یا وکیل یا قائم مقام قانونی او ابلاغ شده
✓ و محکوم له یا نماینده و یا قائم مقام قانونی او کتباً این تقاضا را از دادگاه بنماید.

ماده ۳ - حکمی که موضوع آن معین نیست قابل اجراء نمی‌باشد.

ماده ۴ - اجرای حکم:

✓ با صدور اجرائیه به عمل می‌آید مگر این که در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.
⇨ در مواردی که دادگاه جنبه اعلامی داشته و مستلزم انجام عملی از طرف محکوم علیه نیست از قبیل **اعلام اصالت یا بطلان سند:**

✓ اجرائیه صادر نمی‌شود

⇨ همچنین در مواردی که سازمانها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت طرف دعوی نبوده ولی اجرای حکم باید به وسیله آنها صورت گیرد:

✓ صدور اجرائیه لازم نیست و سازمانها و مؤسسات مزبور مکلفند به دستور دادگاه حکم را اجرا کنند.

ماده ۵ - صدور اجرائیه با **دادگاه نخستین** است.

ماده ۷ - برگهای اجرائیه:

✓ به تعداد محکوم علیه به علاوه دو نسخه صادر می‌شود
✓ یک نسخه از آن در پرونده دعوی و نسخه دیگر پس از ابلاغ به محکوم علیه در پرونده اجرایی
بایگانی می‌گردد و یک نسخه نیز در موقع ابلاغ به محکوم علیه داده می‌شود.

ماده ۸ - ابلاغ اجرائیه:

✓ طبق **مقررات آیین دادرسی مدنی** به عمل می‌آید
✓ و آخرین محل ابلاغ به محکوم علیه در پرونده دادرسی برای ابلاغ اجرائیه سابقه محسوب است.

ماده ۱۰ - اگر محکوم علیه قبل از ابلاغ اجرائیه محجور یا فوت شود:

✓ اجرائیه حسب مورد به ولی: قیم، امین، وصی، ورثه یا مدیر ترکه او ابلاغ می‌گردد

◀ و هر گاه حجر یا فوت محکوم علیه بعد از ابلاغ اجرائیه باشد:

✓ مفاد اجرائیه و عملیات انجام شده به وسیله ابلاغ اخطاریه به آنها اطلاع داده خواهد شد.

ماده ۱۱ – هر گاه در صدور اجرائیه اشتباهی شده باشد:

✓ دادگاه می‌تواند رأساً یا به درخواست هر یک از طرفین به اقتضای مورد اجرائیه را ابطال یا تصحیح

نماید یا عملیات اجرایی را الغاء کند و دستور استرداد مورد اجرا را بدهد.

ماده ۱۳ – اگر دادگاه دادورز (مأمور اجرا) نداشته باشد و یا دادورز (مأمور اجرا) به تعداد کافی نباشد:

✓ می‌توان احکام را به وسیله مدیر دفتر یا کارمندان دیگر دادگاه یا مأمورین شهربانی یا ژاندارمری

اجراء کرد.

ماده ۱۷ – کسانی که مانع دادورز (مأمور اجرا) از انجام وظیفه شوند:

✓ علاوه بر مجازات مقرر در قوانین کیفری مسئول خسارات ناشی از عمل خود نیز می‌باشند.

ماده ۱۸ – مدیران و دادورزها (مأمورین اجرا) در موارد زیر نمی‌توانند قبول مأموریت نمایند.

۱ – امر اجرا راجع به همسر آنها باشد.

۲ – امر اجرا راجع به اشخاصی باشد که مدیر و یا دادورز (مأمور اجرا) با آنان قرابت نسبی یا سببی تا

درجه سوم دارد.

۳ – مدیر یا دادورز (مأمور اجرا) قیم یا وصی یکی از طرفین یا کفیل امور او باشد.

۴ – وقتی که امر اجرا راجع به کسانی باشد که بین آنان و مدیر یا دادورز (مأمور اجرا) یا همسر آنان

دعوی مدنی یا کیفری مطرح است.

◀ در هر یک از موارد مذکور در این ماده اجرای حکم از طرف رییس دادگاه به مدیر یا دادورز (مأمور اجرا)

دیگری محول می‌شود و اگر در آن حوزه مدیر یا مأمور دیگری نباشد اجرای حکم به وسیله مدیر دفتر یا

کارمند دیگر دادگاه یا حسب مورد مأموران شهربانی و ژاندارمری به عمل خواهد آمد.

ماده ۱۹ – اجرائیه:

✓ به وسیله قسمت اجرا دادگاهی که آن را صادر کرده به موقع اجرا گذاشته می‌شود.

ماده ۲۰ – هر گاه تمام یا قسمتی از عملیات اجرایی باید در حوزه دادگاه دیگری به عمل آید:

✓ مدیر اجرا انجام عملیات مزبور را به قسمت اجرا دادگاه آن حوزه محول می‌کند.

ماده ۲۲ – طرفین می‌توانند پرونده اجرایی را ملاحظه و از محتویات آن رونوشت یا فتوکپی بگیرند هزینه رونوشت یا

فتوکپی به میزان مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی اخذ می‌شود.

ماده ۲۴ - دادورز (مأمور اجرا) بعد از شروع به اجرا نمی‌تواند اجرای حکم را تعطیل یا توقیف یا قطع نماید یا به تأخیر

اندازد مگر:

- ✓ به موجب قراردادگاهی که دستور اجرای حکم را داده
- ✓ یا دادگاهی که صلاحیت صدور دستور تأخیر اجرای حکم را دارد
- ✓ یا با ابراز رسید محکوم‌له دائر به وصول محکوم به یا رضایت کتبی او در تعطیل یا توقیف یا قطع یا تأخیر اجراء.

ماده ۲۵ - هر گاه در جریان اجرای حکم اشکالی پیش آید:

- ✓ دادگاهی که حکم تحت نظر آن اجراء می‌شود رفع اشکال می‌نماید.

ماده ۲۶ - اختلاف ناشی از اجرای احکام:

- ✓ راجع به دادگاهی است که حکم توسط آن دادگاه اجرا می‌شود.

ماده ۲۷ - اختلافات راجع به مفاد حکم همچنین اختلافات مربوط به اجرای احکام که از اجمال یا ابهام حکم یا محکوم

به حادث شود:

- ✓ در دادگاهی که حکم را صادر کرده رسیدگی می‌شود.

ماده ۲۸ - رأی داوری که موضوع آن معین نیست قابل اجراء نمی‌باشد.

⇨ مرجع رفع اختلاف ناشی از اجرای رأی داوری:

- ✓ دادگاهی است که اجرائیه صادر کرده است.

ماده ۲۹ - در مورد حدوث اختلاف در مفاد حکم:

- ✓ هر یک از طرفین می‌تواند رفع اختلاف را از دادگاه بخواهد.
- ✓ دادگاه در وقت فوق‌العاده رسیدگی و رفع اختلاف می‌کند
- ✓ و در صورتی که محتاج رسیدگی بیشتری باشد رونوشت درخواست را به طرف مقابل ابلاغ نموده طرفین را در جلسه خارج از نوبت برای رسیدگی دعوت می‌کند ولی عدم حضور آنها باعث تأخیر رسیدگی نخواهد شد.

ماده ۳۰ - درخواست رفع اختلاف:

- ✓ موجب تأخیر اجرای حکم نخواهد شد مگر این که دادگاه قرار تأخیر اجرای حکم را صادر نماید.

ماده ۳۱ - هر گاه محکوم‌علیه فوت یا محجور شود:

- ✓ عملیات اجرایی حسب مورد تا زمان معرفی ورثه، ولی، وصی، قیم محجور یا امین و مدیر ترکه متوقف می‌گردد
- ✓ و قسمت اجرا به محکوم‌له اخطار می‌کند تا اشخاص مذکور را با ذکر نشانی و مشخصات کامل معرفی نماید

✓ و اگر مالی توقیف نشده باشد دادورز (مأمور اجرا) می تواند به درخواست محکوم له معادل محکوم به از ترکه متوفی یا اموال محجور توقیف کند.

ماده ۳۲ - حساب مواعد :

✓ مطابق **مقررات آیین دادرسی مدنی** است

✓ و مدتی که عملیات اجرایی توقیف می شود به حساب نخواهد آمد.

ماده ۳۳ - هر گاه محکوم علیه بازرگان بوده و در جریان اجراء ورشکسته شود:

✓ مراتب از طرف **مدیر اجرا** به اداره تصفیه یا مدیر تصفیه اعلام می شود تا طبق مقررات راجع به

تصفیه امور ورشکستگی اقدام گردد.

ماده ۳۴ - همین که اجرائیه به محکوم علیه ابلاغ شد محکوم علیه مکلف است:

✓ **ظرف ده روز** مفاد آن را به موقع اجرا بگذارد یا ترتیبی برای پرداخت محکوم به بدهد یا مالی

معرفی کند که اجرای حکم و استیفاء محکوم به از آن میسر باشد

✓ و در صورتی که خود را قادر به اجرای مفاد اجرائیه نداند باید ظرف مهلت مزبور جامع دارایی خود را

به قسمت اجرا تسلیم کند و اگر مالی ندارد صریحاً اعلام نماید

✓ هر گاه **ظرف سه سال** بعد از انقضای مهلت مذکور معلوم شود که محکوم علیه قادر به

اجرای حکم و پرداخت محکوم به بوده لیکن برای فرار از آن اموال خود را معرفی نکرده

یا صورت خلاف واقع از دارایی خود داده به نحوی که اجرای تمام یا قسمتی از مفاد

اجرائیه متعسر گردیده باشد **به حبس جنحه ای از شصت و یک روز تا شش ماه**

محکوم خواهد شد.

← **تبصره - شخص ثالث نیز می تواند** به جای محکوم علیه برای استیفاء محکوم به مالی معرفی کند.

ماده ۳۶ - در مواردی که مفاد اجرائیه از طریق انتشار آگهی به محکوم علیه ابلاغ می شود:

✓ در صورتی که به اموال او دسترسی باشد به تقاضای محکوم له معادل محکوم به از اموال

محکوم علیه توقیف می شود.

ماده ۳۷ - محکوم له می تواند طریق اجرای حکم را به دادورز (مأمور اجرا) ارائه دهد و در حین عملیات اجرایی حاضر باشد

ولی نمی تواند دراموری که از وظایف دادورز (مأمور اجرا) است دخالت نماید.

ماده ۳۹ - هر گاه حکمی که به موقع اجرا گذارده شده بر اثر فسخ یا نقض یا اعاده دادرسی به موجب حکم نهایی بلااثر شود:

✓ عملیات اجرایی به دستور **دادگاه اجراکننده حکم** به حالت قبل از اجرا بر می گردد

✓ و در صورتی که محکوم به عین معین بوده و استرداد آن ممکن نباشد دادورز (مأمور

اجرا) مثل یا قیمت آن را وصول می نماید.

← **اعاده عملیات اجرایی به دستور دادگاه** به ترتیبی که برای اجرای حکم مقرر است **بدون صدور اجرائیه به عمل**

می آید.

ماده ۴۰ - محکوم له و محکوم علیه می تواند برای اجرای حکم قراری گذارده و مراتب را به قسمت اجرا اعلام دارند.

ماده ۴۲ - هر گاه محکوم به عین معین منقول یا غیر منقول بوده و تسلیم آن به محکوم له ممکن باشد:

✓ دادورز (مأمور اجرا) عین آن را گرفته و به محکومله می دهد.

ماده ۴۳ - در مواردی که حکم خلع بد علیه متصرف ملک مشاع به نفع مالک قسمتی از ملک مشاع صادر شده باشد:

✓ از تمام ملک خلع ید می شود،

✓ ولی تصرف محکومله در ملک خلع ید شده **مشمول مقررات املاک مشاعی است.**

ماده ۴۴ - اگر عین محکوم به در تصرف کسی غیر از محکوم علیه باشد:

✓ **این امر مانع اقدامات اجرایی نیست** مگر این که متصرف مدعی حقی از عین یا منافع آن

بوده و دلائلی هم ارائه نماید

✓ در این صورت دادورز (مأمور اجرا) **یک هفته** به او مهلت می دهد تا به دادگاه صلاحیتدار

مراجعه کند

✓ و در صورتی که **ظرف پانزده روز** از تاریخ مهلت مذکور فراری دائر به تأخیر اجرای حکم

به قسمت اجرا ارائه نکرده عملیات اجرایی ادامه خواهد یافت.

ماده ۴۶ - اگر محکوم به عین معین بوده و تلف شده و یا به آن دسترسی نباشد:

✓ قیمت آن **با ترازوی طرفین** و در صورت عدم تراضی **به وسیله دادگاه** تعیین و

طبق مقررات این قانون از محکوم علیه وصول می شود

✓ و هر گاه محکوم به قابل تقویم نباشد محکومله می تواند دعوی خسارت اقامه نماید.

ماده ۴۷ - هر گاه محکوم به انجام عمل معینی باشد و محکوم علیه از انجام آن امتناع ورزد و انجام عمل به توسط

شخص دیگری ممکن باشد:

✓ محکومله می تواند تحت نظر دادورز (مأمور اجرا) آن عمل را وسیله دیگری انجام دهد و هزینه آن را

مطالبه کند

✓ و یا بدون انجام عمل هزینه لازم را به وسیله قسمت اجرا از محکوم علیه مطالبه نماید.

✓ در هر یک از موارد مذکور دادگاه با تحقیقات لازم و در صورت ضرورت با جلب نظر کارشناس

میزان هزینه و معین می نماید.

✓ وصول هزینه مذکور و حق الزحمه کارشناس از محکوم علیه به ترتیبی است که برای وصول محکوم

به نقدی مقرر است.

تبصره ۵ - در صورتی که انجام عمل توسط شخص دیگری ممکن نباشد مطابق ماده ۷۲۹ آیین دادرسی مدنی انجام خواهد

شد.

ماده ۴۸ - در صورتی که در ملک مورد حکم خلع ید زراعت شده و تکلیف زرع در حکم معین نشده باشد به ترتیب زیر رفتار می‌شود:

- ✓ اگر موقع برداشت محصول رسیده باشد محکوم‌علیه باید فوراً محصول را بردارد والا دادورز (مأمور اجرا) اقدام به برداشت محصول نموده و هزینه‌های مربوط را تا زمان تحویل محصول به محکوم‌علیه از او وصول می‌نماید.
- ✓ هرگاه موقع برداشت محصول نرسیده باشد اعم از این که بذر روییده یا نروییده باشد محکوم‌له مخیر است که بهای زراعت را بپردازد و ملک را تصرف کند یا ملک را تا زمان رسیدن محصول به تصرف محکوم‌علیه باقی بگذارد و اجرت‌المثل بگیرد.
- ✓ تشخیص بهای زراعت و اجرت‌المثل با **دادگاه** خواهد بود و نظر دادگاه در این مورد قطعی است.

ماده ۴۹ - در صورتی که محکوم‌علیه در موعدهی که برای اجرای حکم مقرر است مدلول حکم را طوعاً اجرا ننماید یا قراری با محکوم‌له برای اجرای حکم ندهد و مالی هم معرفی نکند یا مالی از او تأمین و توقیف نشده باشد:

- ✓ محکوم‌له می‌تواند درخواست کند که از اموال محکوم‌علیه معادل محکوم به توقیف گردد.

ماده ۵۰ - دادورز (مأمور اجرا) باید پس از درخواست توقیف بدون تأخیر اقدام به توقیف اموال محکوم‌علیه نماید و اگر اموال در حوزه دادگاه دیگری باشد توقیف آن را از قسمت اجرای دادگاه مذکور بخواهد.

ماده ۵۱ - از اموال محکوم‌علیه به میزانی توقیف می‌شود که:

- ✓ معادل محکوم به و هزینه‌های اجرایی باشد
- ✓ ولی هر گاه مال معرفی شده ارزش بیشتری داشته و قابل تجزیه نباشد **تمام آن توقیف خواهد شد** در این صورت اگر مال غیر منقول باشد مقدار مشاعی از آن که معادل محکوم به و هزینه‌های اجرایی باشد توقیف می‌گردد.

ماده ۵۲ - اگر مالی از محکوم‌علیه تأمین و توقیف شده باشد:

- ✓ **استیفاء محکوم به از همان مال به عمل می‌آید** مگر آن که مال تأمین شده تکافوی محکوم‌به را نکند که در این صورت معادل بقیه محکوم به از سایر اموال محکوم‌علیه توقیف می‌گردد.

ماده ۵۳ - هر گاه مالی از محکوم‌علیه در قبال خواسته یا محکوم‌به توقف شده باشد:

- ✓ محکوم‌علیه می‌تواند **یک بار** تا قبل از شروع به عملیات راجع به فروش درخواست تبدیل مالی را که توقیف شده است به مال دیگری بنماید مشروط بر این که مالی که پیشنهاد می‌شود از حیث قیمت و سهولت فروش از مالی که قبلاً توقیف شده است کمتر نباشد.

✓ محکوم‌له نیز می‌تواند **یک بار** تا قبل از شروع به عملیات راجع به فروش درخواست تبدیل مال توقیف‌شده را بنماید.

✓ در صورتی که محکوم‌علیه یا محکوم‌له به تصمیم قسمت اجرا معترض باشند **می‌توانند به دادگاه صادرکننده اجراییه مراجعه نمایند. تصمیم دادگاه در این مورد قطعی است.**

ماده ۵۴ – اگر مالی که توقیف آن تقاضا شده وثیقه دینی بوده یا در مقابل طلب دیگری توقیف شده باشد:

✓ قسمت اجرا به درخواست محکوم‌له توقیف مازاد ارزش مال مزبور را حسب مورد به اداره ثبت یا مرجعی که قبلاً مال را توقیف کرده است اطلاع می‌دهد

✓ در این صورت اگر مال دیگری به تقاضای محکوم‌له توقیف شود که تکافوی طلب او را بنماید از توقیف مازاد رفع اثر خواهد شد.

✓ در صورت فک وثیقه یا رفع توقیف اصل مال، توقیف مازاد خودبه خود به توقیف اصل مال تبدیل می‌شود. در این مورد هر گاه محکوم‌علیه به عنوان عدم تناسب بهای مال با میزان بدهی معترض باشد به هزینه او مال ارزیابی شده از مقدار زائد بر بدهی رفع توقیف خواهد شد.

ماده ۵۵ – در مورد مالی که وثیقه بوده یا در مقابل مطالباتی توقیف شده باشد:

✓ محکوم‌له می‌تواند تمام دیون و خسارات قانونی را با حقوق دولت حسب مورد در صندوق ثبت یا دادگستری تودیع نموده تقاضای توقیف مال و استیفای حقوق خود را از آن بنماید

✓ در این صورت وثیقه و توقیف‌های سابق فک و مال بابت طلب او و مجموع وجوه تودیع شده بلافاصله توقیف می‌شود.

ماده ۵۶ – هر گونه نقل و انتقال اعم از قطعی و شرطی و رهنی نسبت به مال توقیف شده:

✓ باطل و بلااثر است.

ماده ۵۷ – هر گونه قرارداد یا تعهدی که نسبت به مال توقیف شده بعد از توقیف به ضرر محکوم‌له منعقد شود:

✓ نافذ نخواهد بود مگر این که محکوم‌له کتباً رضایت دهد.

ماده ۵۸ – در صورتی که محکوم‌علیه، محکوم به و خسارات قانونی را تأدیه نماید:

✓ قسمت اجرا از مال توقیف شده رفع توقیف خواهد کرد.

ماده ۵۹ – محکوم‌علیه می‌تواند با نظارت دادورز (مأمور اجرا) مال توقیف شده را بفروشد مشروط بر این که:

✓ حاصل فروش به تنهایی برای پرداخت محکوم به و هزینه‌های اجرایی کافی باشد

✓ و اگر مال در مقابل قسمتی از محکوم به توقیف شده حاصل فروش نباشد از مبلغی که در قبال آن توقیف به عمل آمده کمتر باشد.

ماده ۶۰ – عدم حضور محکوم‌له و محکوم‌علیه:

✓ **مانع از توقیف مال نمی‌شود ولی توقیف مال به طرفین اعلام خواهد شد.**

ماده ۶۱ – مال منقولی که در تصرف کسی غیر از محکوم‌علیه باشد:

✓ **و متصرف نسبت به آن ادعای مالکیت کند یا آن را متعلق به دیگری معرفی نماید به**

عنوان مال محکوم علیه توقیف نخواهد شد.

✓ در صورتی که خلاف ادعای متصرف ثابت شود مسئول جبران خسارت محکوم له خواهد بود.

ماده ۶۲ – اموال منقولی که خارج از محل سکونت یا محل کار محکوم علیه باشد:

✓ در صورتی توقیف می شود که دلائل و قرائن کافی بر احراز ازمالکیت او در دست باشد.

ماده ۶۳ – از اموال منقول موجود در محل سکونت زوجین:

✓ آنچه معمولاً و عادتاً مورد استفاده اختصاصی زن باشد متعلق به زن

✓ و آنچه مورد استفاده اختصاصی مرد باشد متعلق به شوهر

✓ و بقیه از نظر مقررات این قانون مشترک بین آنان محسوب می شود مگر این که خلاف آن ثابت گردد.

ماده ۶۵ – اموال زیر برای اجرای حکم توقیف نمی شود:

۱ – لباس و اشیاء و اسبابی که برای رفع حوائج ضروری محکوم علیه و خانواده او لازم است.

۲ – آذوقه به قدر احتیاج یک ماهه محکوم علیه و اشخاص واجب النفقه او.

۳ – وسائل و ابزار کار ساده کسبه و پیشه‌وران و کشاورزان.

۴ – اموال و اشیایی که به موجب قوانین مخصوص غیر قابل توقیف می باشند.

تبصره – تصنیفات و تألیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده:

✓ بدون رضایت مصنف و مؤلف و مترجم و در صورت فوت آنها بدون رضایت ورثه یا قائم مقام آنان توقیف نمی شود.

ماده ۶۶ – اموال ضایع شدنی بلافاصله و اموالی که ادامه توقیف آن مستلزم هزینه نامتناسب یا کسر فاحش قیمت است

فوراً ارزیابی و با تصویب دادگاه بدون رعایت تشریفات راجع به توقیف و مزایده به فروش می رسد لیکن قبل از فروش باید صورتی از اموال مزبور برداشته شود.

ماده ۶۸ – تراشیدن و پاک کردن و الحاق و نوشتن بین سطرها در صورت اموال **ممنوع است و اگر سهو و اشتباهی رخ داده**

باشد دادورز (مأمور اجرا) در ذیل صورت آن را تصحیح و به امضاء حاضران می رساند.

ماده ۶۹ – هر گاه اشخاص ثالث نسبت به اموالی که توقیف می شود اظهار حقی نمایند:

✓ دادورز (مأمور اجرا) مشخصات اظهارکننده و خلاصه اظهارات او را قید می کند.

ماده ۷۰ – هر گاه محکوم له و محکوم علیه یا نماینده قانونی آنها حاضر بوده و راجع به تنظیم صورت ایراد و اظهاری نمایند:

✓ دادورز (مأمور اجرا) ایراد و اظهار آنان را با جهات رد یا قبول در آخر صورت قید می کند.

✓ طرفین اگر حاضر باشند **طرف یک هفته** از تاریخ تنظیم صورت حق شکایت

خواهند داشت والا صورت اموال از طرف قسمت اجرا به طرف غایب ابلاغ می شود

✓ و طرف غایب حق دارد **طرف یک هفته** از تاریخ ابلاغ شکایت نماید.

ماده ۷۳ - ارزیابی اموال منقول حین توقیف به عمل می آید و در صورت اموال درج می شود قیمت اموال را:

- ✓ **محکومله و محکوم علیه به تراضی تعیین می نمایند**
- ✓ و هر گاه طرفین حین توقیف حاضر نباشند یا حاضر بوده و در تعیین قیمت تراضی نمایند **ارزیاب معین می شود.**

ماده ۷۴ - ارزیاب به تراضی طرفین معین می شود. در صورت عدم تراضی یا عدم حضور محکوم علیه :

- ✓ دادورز (مأمور اجرا) از بین کارشناسان رسمی و در صورت نبودن کارشناس رسمی از بین اشخاص معتمد و خبره ارزیاب معین می کند
- ✓ و هر گاه در حین توقیف به ارزیاب دسترسی نباشد قیمتی که **محکومله** تعیین کرده برای توقیف مال ملاک عمل قرار خواهد بود.
- ✓ در این صورت دادورز (مأمور اجرا) به قید فوریت نسبت به تعیین ارزیاب و تقویم مال اقدام خواهد کرد.

ماده ۷۵ - قسمت اجرا ارزیابی را بلافاصله به طرفین ابلاغ می نماید. هر یک از طرفین می تواند:

- ✓ **ظرف سه روز از تاریخ ابلاغ ارزیابی** به نظریه ارزیاب اعتراض نماید،
- ✓ این اعتراض **در دادگاهی که حکم به وسیله آن اجرا می شود**، مورد رسیدگی قرار می گیرد
- ✓ و در صورت ضرورت با تجدید ارزیابی قیمت مال معین می شود، تشخیص دادگاه در این مورد قطعی است.

ماده ۷۶ - حق الزحمه ارزیاب با در نظر گرفتن کمیت و کیفیت و ارزش کار :

- ✓ به وسیله دادورز (مأمور اجرا) معین می گردد و پرداخت آن **به عهده محکوم علیه** است.
- ✓ هر گاه نسبت به میزان حق الزحمه اعتراضی باشد **دادگاه** در این مورد تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد.

← هر گاه محکوم علیه از پرداخت حق الزحمه ارزیاب امتناع نماید:

- ✓ **محکومله می تواند آن را بپردازد.**
- ✓ در این صورت دادورز (مأمور اجرا) وجه مزبور را ضمن اجرای حکم از محکوم علیه وصول و به محکومله خواهد داد.
- ← پرداخت حق الزحمه در مورد ماده قبل به **عهده معترض** است و اگر **ظرف سه روز** از تاریخ ابلاغ اخطار نپردازد به اعتراض او ترتیب اثر داده نخواهد شد.

ماده ۷۷ - اموال توقیف شده در همان جا که هست حفظ می شود مگر این که نقل اموال به محل دیگری ضرورت داشته باشد.

ماده ۷۸ - اموال توقیف شده برای حفاظت به شخص مسئولی سپرده می شود. حافظ با **توافق طرفین تعیین می گردد** و در صورتی که طرفین حین توقیف حاضر نباشند و یا در انتخاب حافظ تراضی نمایند :

- ✓ **دادورز (مأمور اجرا)** شخص قابل اعتمادی را معین می کند.
- ✓ اوراق بهادار و جواهر و امثال آنها در صورت اقتضا **در یکی از بانکها** به امانت گذاشته می شود.

ماده ۷۹ – اموال توقیف شده **بدون تراضی کتبی طرفین** به اشخاص ذیل سپرده نمی شود:

- ۱ – اقربای سببی و نسبی دادورز (مأمور اجرا) تا درجه سوم.
- ۲ – محکوم له و محکوم علیه و همسر آنان و کسانی که با طرفین قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم دارند.

ماده ۸۱ – **شخص حافظ :**

- ✓ می تواند اجرت بخواهد
- ✓ و هر گاه در میزان اجرت تراضی نشود مدیر اجراء با توجه به کمیت و کیفیت مال و مدت حفاظت میزان آن را تعیین می نماید.

ماده ۸۲ –

← اجرت حافظ را اگر محکوم علیه تأدیه نکند **محکوم له می پردازد** و از حاصل فروش اشیاء توقیف شده استیفاء می نماید.

← در صورت مطالبه اجرت از طرف حافظ و عدم تأدیه آن مدیر اجراء به **محکوم له** اخطار می کند که **ظرف ده روز** از تاریخ ابلاغ اخطار اجرت حافظ را بپردازد.

ماده ۸۳ – حافظ نسبت به اموال توقیف شده امین است و حق ندارد اموال توقیف شده را مورد استفاده قرار داده یا به کسی بدهد و به طور کلی هر گاه حافظ مرتکب تعدی یا تفریط گردد:

- ✓ مسئول پرداخت خسارت وارده بوده و حق مطالبه اجرت هم نخواهد داشت.

ماده ۸۴ – هر گاه اموال توقیف شده منفعی داشته باشد حافظ باید حساب آن را بدهد.

ماده ۸۵ – در صورتی که حافظ از تسلیم اموال توقیف شده امتناع کند:

- ✓ از تاریخ امتناع ضامن محسوب است و دادورز (مأمور اجرا) معادل ارزش مال توقیف شده را از اموال حافظ استیفاء می نماید.

ماده ۸۶ – هر گاه حافظ نخواهد یا نتواند اموال توقیف شده را نگاهداری کند و یا اوضاع و احوال تغییر او را ایجاب نماید:

- ✓ دادورز (مأمور اجرا) پس از تصویب دادگاه حافظ دیگری معین خواهد کرد.

ماده ۸۷ – هر گاه مال متعلق به محکوم علیه نزد شخص ثالث اعم از حقوقی یا حقیقی باشد یا مورد درخواست توقیف، طلبی باشد که محکوم علیه از شخص ثالث دارد:

- ✓ اخطاری در باب توقیف مال یا طلب و میزان آن به پیوست رونوشت اجراییه به شخص ثالث ابلاغ و رسید دریافت می شود و مراتب فوراً به **محکوم علیه** نیز ابلاغ می گردد.

ماده ۸۸ – شخص ثالث پس از ابلاغ اخطار توقیف:

- ✓ نباید مال یا طلب توقیف شده را به محکوم علیه بدهد و مکلف است طبق دستور مدیر اجرا عمل نماید،

✓ در صورت تخلف مسئول جبران خسارت وارده به محکوم‌له خواهد بود.

ماده ۸۹ – هر گاه مالی که نزد شخص ثالث توقیف شده عین معین یا وجه نقد یا طلب حال باشد:

✓ شخص ثالث باید در صورت مطالبه آن را به دادورز (مأمور اجرا) بدهد و رسید دریافت دارد

✓ این رسید به منزله سند تأدیه وجه یا دین یا تحویل عین معین از طرف شخص ثالث به

محکوم‌علیه خواهد بود.

ماده ۹۰ – در موردی که شخص ثالث دین خود را به اقساط یا اجور و عوائدی را به تدریج به محکوم‌علیه می‌پردازد و

محکوم‌له تقاضای استیفاء محکوم به را از آن بنماید:

✓ دادورز (مأمور اجرا) به شخص ثالث اخطار می‌کند که اقساط یا عوائد و اجور مقرر را به

قسمت اجرا تسلیم نماید.

ماده ۹۱ – هر گاه شخص ثالث منکر وجود تمام یا قسمتی از مال یا طلب یا اجور و عوائد محکوم‌علیه نزد خود باشد:

✓ باید **ظرف ده روز** از تاریخ ابلاغ اخطاریه مراتب را به قسمت اجرا اطلاع دهد.

ماده ۹۲ – هر گاه شخص ثالث به تکلیف مقرر در ماده قبل عمل نکند و یا بر خلاف واقع منکر وجود تمام یا قسمتی از مال

یا طلب یا اجور و عوائد محکوم‌علیه نزد خود گردد و یا اطلاعاتی که داده موافق با واقع نباشد و موجب خسارت شود:

✓ محکوم‌له می‌تواند برای جبران خسارت به دادگاه صلاحیتدار مراجعه نماید.

ماده ۹۳ – اگر شخص ثالث از تسلیم عین مال توقیف شده امتناع نماید و دادورز (مأمور اجرا) به آن مال دسترسی پیدا نکند:

✓ معادل قیمت آن از دارایی او برای استیفاء محکوم به توقیف خواهد شد.

← در صورتی که شخص ثالث مدعی باشد که مال قبل از مطالبه قسمت اجرا بدون تعدی و تفریط او از بین رفته:

✓ می‌تواند به دادگاه دادخواست دهد دادگاه در صورتی که دلایل او را موجه تشخیص دهد

قراری در باب توقیف عملیات اجرایی تا تعیین تکلیف نهایی صادر می‌کند.

ماده ۹۴ – هر گاه شخص ثالث از تأدیه وجه نقد یا طلب حال که نزد او توقیف شده امتناع نماید:

✓ به میزان وجه مزبور از دارایی او توقیف خواهد شد.

ماده ۹۵ – شخص ثالثی که مال محکوم‌علیه نزد او توقیف شده می‌تواند:

✓ مال مزبور را **هر وقت بخواهد** به قسمت اجرا تسلیم کند و قسمت اجرا باید آن را قبول

نماید.

توقیف حقوق مستخدمین

ماده ۹۶ – از حقوق و مزایای کارکنان سازمانها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و شرکتهای دولتی و شهرداریها و

بانکها و شرکتهای و بنگاههای خصوصی و نظائر آن :

✓ در صورتی که داری زن یا فرزند باشند **ربع** و **الا ثلث** توقیف می‌شود.

تبصره ۱ - توقیف و کسر یک چهارم حقوق بازنشستگی یا وظیفه افراد موضوع این ماده جایز است مشروط بر این که دین مربوط به شخص بازنشسته یا وظیفه‌بگیر باشد.

تبصره ۲ - حقوق و مزایای نظامیانی که در جنگ هستند توقیف نمی‌شود.

ماده ۹۷ - در مورد ماده فوق مدیر اجرا مراتب را به سازمان مربوط ابلاغ می‌نماید و رییس یا مدیر سازمان مکلف است از حقوق و مزایای محکوم‌علیه کسر نموده و به قسمت اجرا بفرستد.

ماده ۹۸ - توقیف حقوق و مزایای استخدامی:

- ✓ مانع از این نیست که اگر مالی از محکوم‌علیه معرفی شود برای استیفای محکوم به توقیف گردد
- ✓ ولی اگر مال معرفی شده برای استیفای محکوم به کافی باشد توقیف حقوق و مزایای استخدامی محکوم‌علیه موقوف می‌شود.

توقیف اموال غیر منقول

ماده ۹۹ - قسمت اجرا توقیف مال غیر منقول را با ذکر شماره پلاک و مشخصات ملک به طرفین و اداره ثبت محل اعلام می‌کند.

ماده ۱۰۰ - اداره ثبت پس از اعلام توقیف در صورتی که ملک به نام محکوم‌علیه ثبت شده باشد مراتب را در دفتر املاک و اگر ملک در جریان ثبت باشد در دفتر ملک بازداشتی و پرونده ثبتی قید نموده به قسمت اجرا اطلاع می‌دهد و اگر ملک به نام محکوم‌علیه نباشد فوراً به قسمت اجرا اعلام می‌دارد.

ماده ۱۰۱ - توقیف مال غیر منقول که سابقه ندارد به عنوان مال محکوم‌علیه وقتی جائز است که:

- ✓ محکوم‌علیه در آن تصرف مالکانه داشته باشد. و یا محکوم‌علیه به موجب حکم نهایی مالک شناخته شده باشد.

← در موردی که حکم بر مالکیت محکوم‌علیه صادر شده ولی به مرحله نهایی نرسیده باشد توقیف مال مزبور در ازاء بدهی محکوم‌علیه جایز است ولی ادامه عملیات اجرایی موقوف به صدور حکم نهایی است.

ماده ۱۰۲ - در صورتی که عوائد یک‌ساله مال غیر منقول به تشخیص دادگاه برای اداء محکوم به و هزینه اجرایی کافی باشد و محکوم‌علیه حاضر شود که از عوائد آن ملک، محکوم به داده شود:

- ✓ عین ملک توقیف نمی‌شود و فقط عوائد توقیف و محکوم به از آن وصول می‌گردد، در این صورت قسمت اجراء مکلف است مراتب را به ثبت محل اعلام نماید.

ماده ۱۰۳ - توقیف مال غیر منقول موجب توقیف منافع آن نمی‌گردد.

ماده ۱۰۴ - توقیف محصول املاک و باغات با رعایت مقررات مواد ۲۵۴ تا ۲۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی به عمل می‌آید.

ماده ۱۱۲ - در صورتی که عوائد موجود مال غیر منقول توقیف شود:

- ✓ به امینی که طرفین معین کرده‌اند سپرده می‌شود و در صورت عدم تراضی به شخص امینی که دادورز (مأمور اجرا) معین می‌کند سپرده خواهد شد
- ✓ ولی اگر عوائد وجه نقد باشد به قسمت اجرا تسلیم می‌گردد.

ماده ۱۱۳ - بعد از تنظیم صورت مال منقول و ارزیابی آن در صورتی که نسبت به محل و موعد فروش بین محکوم له و محکوم علیه تراضی شده باشد به همان ترتیب رفتار می‌شود و هر گاه بین طرفین تراضی نشده باشد دادورز (مأمور اجرا) مطابق مواد بعد اقدام می‌کند.

ماده ۱۱۴ - فروش اموال از طریق مزایده به عمل می‌آید.

ماده ۱۱۶ - در مواردی که حمل اموال منقول به محل دیگری مخارج زیاد داشته باشد:

- ✓ اشیاء توقیف شده در محلی که حفظ می‌شده به فروش می‌رسد.

ماده ۱۱۷ - موعد فروش را مدیر اجرا نظر به کمیت و کیفیت اموال توقیف شده معین و آگهی می‌نماید.

ماده ۱۱۸ - آگهی فروش باید در یکی از **روزنامه‌های محلی یک نوبت** منتشر شود.

ماده ۱۱۹ - موعد فروش باید طوری معین شود که فاصله بین انتشار آگهی و روز فروش **بیش از یک ماه و کمتر از ده روز** نباشد.

ماده ۱۲۱ - محکوم له یا محکوم علیه می‌توانند علاوه بر آگهی که به توسط قسمت اجرا به عمل می‌آید آگهی دیگری به خرج خود منتشر نماید.

ماده ۱۲۳ - آگهی باید علاوه بر انتشار در قسمت اجرا و محل فروش هم الصاق شود.

ماده ۱۲۴ - در صورتی که تغییر روز فروش ضرورت پیدا کند **مجدداً آگهی خواهد شد.**

ماده ۱۲۵ - فروش با حضور دادورز (مأمور اجرا) و نماینده دادسرا به عمل می‌آید و صورت‌مجلس فروش به امضاء آنها می‌رسد.

ماده ۱۲۶ - هر کس می‌تواند در **مدت پنج روز** قبل از روزی که برای فروش معین شده است اموالی را که آگهی شده ملاحظه نماید.

ماده ۱۲۷ - محکوم له می‌تواند مثل سایرین در خرید شرکت نماید ولی ارزیابان و دادورزها (مأمورین اجرا) و سایر اشخاصی که مباشر امر فروش هستند همچنین اقرباء نسبی و سببی آنان تا درجه سوم نمی‌توانند در خرید شرکت کنند.

ماده ۱۲۹ - دادورز (مأمور اجرا) می‌تواند پرداخت بهای اموال را به وعده قرار دهد.

◀ در این صورت برنده مزایده باید ده درصد بها را فی‌المجلس به عنوان سپرده به قسمت اجرا تسلیم نماید حداکثر مهلت مزبور از یک ماه تجاوز نخواهد کرد و در صورتی که برنده مزایده در موعد مقرر بقیه بهای اموال را نپردازد سپرده او پس از کسر هزینه مزایده به نفع دولت ضبط و مزایده تجدید می‌گردد.

ماده ۱۳۰ - صاحب مال می‌تواند تقاضا کند که بعضی از اموال او را مقدم یا مؤخر بفروشند و یا این که خود او بالاترین قیمت پیشنهادی را نقداً پرداخت و از فروش آن جلوگیری نماید.

ماده ۱۳۱ - هر گاه مالی که مزایده از آن شروع می‌شود خریدار نداشته باشد:

✓ محکوم‌له می‌تواند مال دیگری از محکوم‌علیه معرفی و تقاضای توقیف و مزایده آن را بنماید

✓ یا معادل طلب خود از اموال مورد مزایده به قیمتی که ارزیابی شده قبول کند

✓ یا تقاضای تجدید مزایده مال توقیف شده را بنماید و در صورت اخیر مال مورد

مزایده به هر میزانی که خریدار پیدا کند به فروش خواهد رفت و هزینه آگهی مجدد به عهده محکوم‌له می‌باشد.

✓ و هر گاه طلبکاران متعدد باشند رأی اکثریت آنها از حیث مبلغ طلب برای

تجدید آگهی مزایده مناط اعتبار است.

ماده ۱۳۲ – هر گاه در دفعه دوم هم خریداری نباشد و محکوم‌له نیز مال مورد مزایده را به قیمتی که ارزیابی شده قبول ننماید:

✓ آن مال به محکوم‌علیه مسترد خواهد شد.

ماده ۱۳۴ – تسلیم مال فقط بعد از پرداخت تمام بهای آن صورت خواهد گرفت.

ماده ۱۳۵ – اگر فروش قسمتی از اموال توقیف شده برای پرداخت محکوم به و هزینه‌های اجرایی کافی باشد:

✓ بقیه اموال فروخته نمی‌شود و به صاحب آن مسترد می‌گردد.

ماده ۱۳۶ – در موارد زیر فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید می‌شود:

۱ – هر گاه فروش در غیر روز و ساعت معین یا در غیر محلی که به موجب آگهی تعیین گردیده به عمل آید.

۲ – هر گاه کسی را بدون جهت قانونی مانع از خرید شوند و یا بالاترین قیمتی را که خواسته است رد نمایند.

۳ – در صورتی که مزایده بدون حضور نماینده دادسرا باشد.

۴ – در صورتی که خریدار طبق ماده ۱۲۷ ممنوع از خرید بوده باشد.

شکایت راجع به تخلف از مقررات مزایده در موارد مذکور ظرف یک هفته از تاریخ فروش به دادگاه داده می‌شود و قبل از انقضای مهلت مذکور یا قبل از اتخاذ تصمیم دادگاه (در صورت وصول شکایت) مال به خریدار تسلیم نخواهد شد.

ماده ۱۳۷ – ترتیب فروش اموال غیر منقول به استثنای مواردی که در این بحث معین گردیده مانند فروش اموال منقول است.

ماده ۱۴۰ – هر گاه ملک مشاع باشد:

✓ فقط سهم محکوم‌علیه به فروش می‌رسد مگر این که سایر

شرکاء فروش تمام ملک را بخواهند

✓ در این صورت طلب محکوم‌له و هزینه‌های اجرایی از حصه

محکوم‌علیه پرداخت می‌شود.

ماده ۱۴۳ – دادگاه در صورت احراز صحت جریان مزایده دستور صدور سند انتقال را به نام خریدار می‌دهد و این دستور قطعی است.

ماده ۱۴۴ – در مواردی که ملک خریدار نداشته و محکوم‌له آن را در مقابل طلب خود قبول نماید:

- ✓ مالک **ظرف دو ماه** از تاریخ انجام مزایده می تواند کلیه بدهی و خسارات و هزینه های اجرایی را پرداخته و مانع انتقال ملک به محکوم له شود.
- ✓ دادگاه بعد از انقضای مهلت مزبور دستور انتقال تمام یا قسمتی از ملک را که معادل طلب محکوم له باشد خواهد داد.

ماده ۱۴۵ - هر گاه مالک حاضر به امضاء سند انتقال به نام خریدار نشود:

- ✓ نماینده دادگاه سند انتقال را در دفترخانه اسناد رسمی به نام خریدار امضاء می نماید.

اعتراض شخص ثالث

ماده ۱۴۶ - هر گاه نسبت به مال منقول یا غیر منقول یا وجه نقد توقیف شده شخص ثالث اظهار حقی نماید:

- ✓ اگر ادعای مزبور مستند به **حکم قطعی یا سند رسمی** باشد که تاریخ آن مقدم بر تاریخ توقیف است. توقیف رفع می شود در غیر این صورت عملیات اجرایی تعقیب می گردد و مدعی حق برای جلوگیری از عملیات اجرایی و اثبات ادعای خود می تواند به دادگاه شکایت کند.

ماده ۱۴۷ -

⇐ **شکایت شخص ثالث در تمام مراحل بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه دادرسی رسیدگی می شود.**

⇐ مفاد شکایت به طرفین ابلاغ می شود و دادگاه به دلائل شخص ثالث و طرفین دعوی به هر نحو و در هر محل که لازم بداند رسیدگی می کند و در صورتی که دلائل شکایت را قوی یافت قرار توقیف عملیات اجرایی را تا تعیین تکلیف نهایی شکایت صادر می نماید.

⇐ در این صورت اگر مال مورد اعتراض منقول باشد دادگاه می تواند با اخذ تأمین مقتضی دستور رفع توقیف و تحویل مال را به معترض بدهد.

⇐ به شکایت شخص ثالث بعد از فروش اموال توقیف شده نیز به ترتیب فوق رسیدگی خواهد شد.

تبصره ۵ - محکوم له می تواند مال دیگری را از اموال محکوم علیه به جای مال مورد اعتراض معرفی نماید. در این صورت آن مال توقیف و از مال مورد اعتراض رفع توقیف می شود و رسیدگی به شکایت شخص ثالث نیز موقوف می گردد.

حق تقدم

ماده ۱۴۸ - در هر مورد که اجرائیه های متعدد به قسمت اجراء رسیده باشد، دادورز (مأمور اجرا) باید حق تقدم هر

یک از محکوم لهم را به ترتیب زیر رعایت نماید:

- ۱ - اگر مال منقول یا غیر منقول محکوم علیه نزد محکوم له رهن یا وثیقه یا مورد معامله شرطی و امثال آن یا در توقیف تأمینی یا اجرایی باشد محکوم له نسبت به مال مزبور به میزان محکوم به بر سایر محکوم لهم حق تقدم خواهد داشت.
- ۲ - خدمه خانه و کارگر و مستخدم محل کار محکوم علیه نسبت به حقوق و دستمزد شش ماه خود.

- ۳ - نفقه زن و هزینه نگهداری اولاد صغیر محکوم علیه برای مدت شش ماه و مهریه تا میزان دویست هزار یال.
- ۴ - بستانکاران طبقات مذکور در بندهای دوم و سوم نسبت به بقیه طلب خود و سایر بستانکاران.
- ماده ۱۴۹ -** پس از اینکه بستانکاران به ترتیب هر طبقه طلب خود را از اموال محکوم علیه وصول نمودند اگر چیزی زائد از طلب آنها بقای بماند به طبقه بعدی داده می شود و در هر یک از طبقات دوم تا چهارم اگر بستانکاران متعدد باشند مال محکوم علیه به نسبت طلب بین آنها تقسیم می گردد.

تأدیه طلب

- ماده ۱۵۰ -** وجوهی که در نتیجه فروش مال توقیف شده یا به طریق دیگر از محکوم علیه وصول می شود:
- ✓ به میزان محکوم به و هزینه های اجرایی به محکوم له داده خواهد شد و اگر زائد باشد بقیه به محکوم علیه مسترد می شود.
- ماده ۱۵۱ -** در صورتی که وجوه حاصل کمتر از میزان محکوم به و هزینه های اجرایی باشد:
- ✓ به درخواست محکوم له برای وصول بقیه طلب او از سایر اموال محکوم علیه توقیف می شود.
- ماده ۱۵۲ -** در مقابل وجهی که به محکوم له داده می شود دو نسخه رسید اخذ می گردد یک نسخه از آن به محکوم علیه تسلیم و نسخه دیگر در پرونده اجرایی بایگانی می گردد.
- ماده ۱۵۳ -** در موردی که محکوم له بیش از یک نفر باشد و دارایی دیگری برای محکوم علیه غیر از مال توقیف شده معلوم نشود و هیچ یک از طلبکاران بر دیگری حق تقدم نداشته باشند:
- ✓ از وجه وصول شده معادل هزینه اجرایی به کسی که آن را پرداخته است داده می شود و بقیه بین طلبکارانی که تا آن تاریخ اجراییه صادر و درخواست استیفاء طلب خود را نموده اند به نسبت طلبی که دارند با رعایت مواد ۱۵۴ و ۱۵۵ تقسیم می شود.
- ماده ۱۵۴ -** تقسیم نامه را دادورز (مأمور اجرا) تنظیم و به طلبکاران اخطار می نماید تا از میزان سهم خود مطلع گردند.
- ماده ۱۵۵ -** هر یک از طلبکاران که شکایتی از ترتیب تقسیم داشته باشد:
- ✓ می تواند **طرف یک هفته** از تاریخ اخطار دادورز (مأمور اجرا) راجع به ترتیب تقسیم به دادگاه مراجعه کند.
 - ✓ دادگاه در جلسه اداری به شکایت رسیدگی و تصمیم قطعی اتخاذ می نماید در این صورت تقسیم پس از تعیین تکلیف شکایت در دادگاه به عمل می آید.
- ماده ۱۵۶ -** در صورتی که به طلبکاری زائد از سهم او داده شده باشد مقدار زائد به نحوی که در ماده ۳۹ مقرر گردیده مسترد می شود.
- ماده ۱۵۷ -** خسارت تأخیر تأدیه در صورتی که حکم دادگاه تا تاریخ وصول مقرر شده باشد تا زمان تنظیم تقسیم نامه جزء طلب محکوم له محسوب خواهد شد.
- هزینه های اجرایی

ماده ۱۵۸ – هزینه‌های اجرایی عبارت است از:

- ۱ – پنج درصد مبلغ محکوم به بابت حق اجرای حکم که بعد از اجراء وصول می‌شود. در دعاوی مالی که خواسته وجه نقد نیست حق اجراء به‌مأخذ بهای خواسته که در دادخواست تعیین و مورد حکم قرار گرفته حساب می‌شود مگر این که دادگاه قیمت دیگری برای خواسته معین نموده باشد.
- ۲ – هزینه‌هایی که برای اجرای حکم ضرورت داشته باشد مانند حق الزحمه خبره و کارشناس و ارزیاب و حق حفاظت اموال و نظائر آن.

ماده ۱۵۹ – در تخلیه مورد اجاره غیر منقول صدی ده اجاره بهای سه ماه و در سایر مواردی که قانوناً تعیین بهای خواسته لازم نیست از هزار ریال تا پنج هزار ریال به تشخیص دادگاه بابت حق اجراء دریافت می‌شود.

ماده ۱۶۰ – پرداخت حق اجراء **پس از انقضای ده روز** از تاریخ ابلاغ اجرائیه بر عهده محکوم علیه است ولی در صورتی که طرفین سازش کنند یا بین خود ترتیبی برای اجرای حکم بدهند **نصف حق اجراء** دریافت خواهد شد. و در صورتی که محکوم به بیست هزار ریال یا کمتر باشد **حق اجراء تعلق نخواهد گرفت.**

ماده ۱۶۱ –

- ← اگر محکوم به وجه نقد باشد حق اجراء هم ضمن آن وصول می‌گردد
- ← و هر گاه محکوم له بعد از شروع اقدامات اجرایی رأساً محکوم به را وصول نموده باشد و محکوم علیه حاضر به پرداخت حق اجراء نشود حق مزبور از اموال محکوم علیه طبق مقررات اجرای احکام وصول می‌گردد.
- ← در این صورت هزینه‌هایی که برای توقیف و فروش اموال محکوم علیه لازم باشد از صندوق دادگستری پرداخت شده و پس از وصول آن به صندوق مسترد می‌گردد.

ماده ۱۶۴ – **اجرای موقت حکم حق اجراء ندارد** ولی اگر اجرای موقت به اجرای قطعی حکم منتهی شود حق اجراء وصول می‌گردد.

ماده ۱۶۸ –

- ← هر گاه از تاریخ صدور اجرائیه **بیش از پنج سال** گذشته و محکوم له عملیات اجرایی را تعقیب نکرده باشد اجرائیه بلا اثر تلقی می‌شود و در این مورد اگر حق اجراء وصول نشده باشد دیگر قابل وصول نخواهد بود.
- ← محکوم له می‌تواند مجدداً از دادگاه تقاضای صدور اجرائیه نماید ولی در مورد اجرای هر حکم **فقط یک بار** حق اجراء دریافت می‌شود.

احکام و اسناد لازم‌الاجراء کشورهای خارجی

ماده ۱۶۹ – احکام مدنی صادر از دادگاه‌های خارجی در صورتی که واجد شرایط زیر باشد در ایران قابل اجراء است مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد:

- ۱ – حکم از کشوری صادر شده باشد که به موجب قوانین خود یا عهد یا قراردادها احکام صادر از دادگاه‌های ایران در آن کشور قابل اجراء باشد یا در مورد اجرای احکام معامله متقابل نماید.
- ۲ – مفاد حکم مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه نباشد.
- ۳ – اجرای حکم مخالف با عهد بین‌المللی که دولت ایران آن را امضاء کرده یا مخالف قوانین مخصوص نباشد.
- ۴ – حکم در کشوری که صادر شده قطعی و لازم‌الاجراء بوده و به علت قانونی از اعتبار نیفتاده باشد.
- ۵ – از دادگاه‌های ایران حکمی مخالف دادگاه خارجی صادر نشده باشد.

- ۶ - رسیدگی به موضوع دعوی مطابق قوانین ایران اختصاص به دادگاههای ایران نداشته باشد.
- ۷ - حکم راجع به اموال غیر منقول واقع در ایران و حقوق متعلق به آن نباشد.
- ۸ - دستور اجرای حکم از مقامات صلاحیتدار کشور صادرکننده حکم صادر شده باشد.
- ماده ۱۷۰ - مرجع تقاضای اجرای حکم دادگاه شهرستان محل اقامت یا محل سکونت محکوم علیه است و اگر محل اقامت یا محل سکونت محکوم علیه در ایران معلوم نباشد دادگاه شهرستان تهران است.**
- ماده ۱۷۱ -** در صورتی که در معاهدات و قراردادهای بین دولت ایران و کشور صادرکننده حکم ترتیب و شرایطی برای اجرای حکم مقرر شده باشد همان ترتیب و شرایط متبع خواهد بود.
- ماده ۱۷۲ -** اجرای حکم **باید کتباً تقاضا شود** و در تقاضانامه مزبور نام محکوم له و محکوم علیه و مشخصات دیگر آنها قید گردد.
- ماده ۱۷۵ -** قرار رد تقاضا باید به متقاضی ابلاغ شود و نامبرده می تواند **ظرف ده روز** از آن پژوهش بخواهد.
- ماده ۱۷۶ -** دادگاه مرجع پژوهش **در جلسه اداری فوق العاده** به موضوع رسیدگی و در صورت وارد بودن شکایت با فسخ رأی پژوهش خواسته امر به اجرای حکم صادر می نماید و در غیر این صورت آن را تأیید می کند.
- رأی دادگاه قابل فرجام نخواهد بود.
- ماده ۱۷۷ -** اسناد تنظیم شده لازم الاجراء در کشورهای خارجی به همان ترتیب و شرایطی که برای اجرای احکام دادگاههای خارجی در ایران مقرر گردیده قابل اجراء می باشد و بعلاوه نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشوری که سند در آنجا تنظیم شده باشد باید موافقت تنظیم سند را با قوانین محل گواهی نماید.
- ماده ۱۷۸ -** احکام و اسناد خارجی طبق **مقررات اجرای احکام مدنی** به مرحله اجراء گذارده می شود.
- ماده ۱۷۹ -** ترتیب رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای احکام و اسناد خارجی و اشکالاتی که در جریان اجراء پیش می آید همچنین ترتیب توقیف عملیات اجرایی و ابطال اجراییه به نحوی است که **در قوانین ایران مقرر است**. مرجع رسیدگی دادگاههای مذکور در ماده ۱۷۰ می باشد.

نکات مربوط به بحث قانون اجرای احکام مدنی :

- ماده ۱۰۱ قانون اجرای احکام مدنی :** توقیف مال غیر منقول که سابقه ندارد به عنوان مال محکوم علیه وقتی جائز است که محکوم علیه در آن تصرف مالکانه داشته باشد. و یا محکوم علیه به موجب حکم نهایی مالک شناخته شده باشد.
- در موردی که حکم بر مالکیت محکوم علیه صادر شده ولی به مرحله نهایی نرسیده باشد توقیف مال مزبور در ازاء بدهی محکوم علیه جایز است ولی ادامه عملیات اجرایی موکول به صدور حکم نهایی است.
- احکام دادگاههای دادگستری وقتی به موقع اجرا گذارده می شود که به محکوم علیه یا وکیل یا قائم مقام قانونی او ابلاغ شده و محکوم له یا نماینده و یا قائم مقام قانونی او کتباً این تقاضا را از دادگاه بنماید.

۴.

✓ اجرای حکم با صدور اجرائیه به عمل می‌آید مگر این که در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

- مواردی که صدور اجرائیه لازم نیست:**
- در مواردی که حکم دادگاه جنبه اعلامی داشته و مستلزم انجام عملی از طرف محکوم‌علیه نیست از قبیل اعلام اصالت یا بطلان سند، اجرائیه صادر نمی‌شود.
 - همچنین در مواردی که سازمانها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت طرف دعوی نبوده ولی اجرای حکم باید به وسیله آنها صورت گیرد صدور اجرائیه لازم نیست و سازمانها و مؤسسات مزبور مکلفند به دستور دادگاه حکم را اجرا کنند.

۵. صدور اجرائیه با دادگاه نخستین است.

۶.

- ✓ برگه‌های اجرائیه به تعداد محکوم‌علیه‌هم به علاوه دو نسخه صادر می‌شود.
- ✓ یک نسخه از آن در پرونده دعوی و نسخه دیگر پس از ابلاغ به محکوم‌علیه در پرونده اجرایی بایگانی می‌گردد و یک نسخه نیز در موقع ابلاغ به محکوم‌علیه داده می‌شود.

۷.

❖ اگر محکوم‌علیه قبل از ابلاغ اجرائیه **محجور یا فوت** شود :

✓ اجرائیه حسب مورد به ولی؛ قیم، امین، وصی، ورثه یا مدیر ترکه او ابلاغ می‌گردد

❖ و هرگاه **حجر یا فوت** محکوم‌علیه بعد از ابلاغ اجرائیه باشد:

✓ مفاد اجرائیه و عملیات انجام شده به وسیله ابلاغ افطاریه آنها اطلاع داده فوایدش

۸. هرگاه در صدور اجرائیه اشتباهی شده باشد **دادگاه می‌تواند:**

✓ **رأساً یا به درخواست هر یک از طرفین** به اقتضای مورد اجرائیه را ابطال یا تصحیح نماید یا

عملیات اجرایی را الغاء کند و دستور استرداد مورد اجرا را برهد.

۹. **اجرائیه به وسیله قسمت اجرا دادگاهی** که آن را صادر کرده به موقع اجرا گذاشته می‌شود.

۱۰. هرگاه تمام یا قسمتی از عملیات اجرایی باید در حوزه دادگاه دیگری به عمل آید :

✓ **مدیر اجرا انجام عملیات مزبور را** به قسمت اجرا دارگاه آن حوزه مهول می‌کند.

۱۱. هرگاه در جریان اجرای حکم اشکالی پیش آید :

✓ **دارگاهی که مکم تحت نظر آن اجراء می‌شود رفع اشکال می‌نماید.**

۱۲. **اختلاف ناشی از اجرای احکام راجع به دادگاهی است که حکم توسط آن دادگاه اجرا می‌شود.**

۱۳. اختلافات راجع به مفاد حکم همچنین اختلافات مربوط به اجرای احکام که از اجمال یا ابهام حکم یا

محکوم به حادث شود در دادگاهی که حکم را صادر کرده رسیدگی می‌شود.

۱۴. هر گاه محکوم علیه فوت یا محجور شود عملیات اجرایی حسب مورد تا زمان معرفی ورثه، ولی، وصی، قیم محجور یا امین و مدیر ترکه متوقف می گردد و قسمت اجرا به محکوم له اخطار می کند تا اشخاص مذکور را با ذکر نشانی و مشخصات کامل معرفی نماید و اگر مالی توقیف نشده باشد دادورز (مأمور اجرا) می تواند به درخواست محکوم له معادل محکوم به از ترکه متوفی یا اموال محجور توقیف کند.

۱۵.

✓ همین که اجرائیه به محکوم علیه ابلاغ شد محکوم علیه مکلف است ظرف **ده روز** مفاد آن را به موقع اجرا بگذارد یا ترتیبی برای پرداخت محکوم به بدهد یا مالی معرفی کند که اجرای حکم و استیفاء محکوم به از آن میسر باشد

✓ و در صورتی که خود را قادر به اجرای مفاد اجرائیه نداند باید ظرف مهلت مزبور جامع داری خود را به قسمت اجرا تسلیم کند و اگر مالی ندارد صریحاً اعلام نماید

✓ هر گاه ظرف **سه سال** بعد از انقضای مهلت مذکور معلوم شود که محکوم علیه قادر به اجرای حکم و پرداخت محکوم به بوده لیکن برای فرار از آن اموال خود را معرفی نکرده یا صورت خلاف واقع از داری خود داده به نحوی که اجرای تمام یا قسمتی از مفاد اجرائیه متعسر گردیده باشد به حسب جنجای از شصت و یک روز تا شش ماه محکوم خواهد شد.

✓ شخص ثالث نیز می تواند به جای محکوم علیه برای استیفاء محکوم به مالی معرفی کند.

۱۶. هر گاه محکوم به عین معین منقول یا غیر منقول بوده و تسلیم آن به محکوم له ممکن باشد دادورز (مأمور اجرا) عین آن را گرفته و به محکوم له می دهد.

۱۷. در مواردی که حکم خلع ید علیه متصرف ملک مشاع به نفع مالک قسمتی از ملک مشاع صادر شده باشد از **تمام ملک** خلع ید می شود، ولی تصرف محکوم له در ملک خلع ید شده مشمول مقررات املاک مشاعی است.

۱۸. اگر عین محکوم به در تصرف کسی غیر از محکوم علیه باشد این امر مانع اقدامات اجرایی نیست مگر این که متصرف مدعی حقی از عین یا منافع آن بوده و دلائلی هم ارائه نماید در این صورت دادورز (مأمور اجرا) یک هفته به او مهلت می دهد تا به دادگاه صلاحیتدار مراجعه کند و در صورتی که ظرف پانزده روز از تاریخ مهلت مذکور قراری دائر به تأخیر اجرای حکم به قسمت اجرا ارائه نگردد عملیات اجرایی ادامه خواهد یافت.

۱۹. اگر محکوم به عین معین بوده و تلف شده و یا به آن دسترسی نباشد:

✓ قیمت آن با تراضی طرفین و در صورت عدم تراضی به وسیله دادگاه تعیین و طبق مقررات این قانون از مملوک علیه وصول می شود

✓ و هر گاه مملوک به قابل تقویم نباشد مملوک له می تواند دعوی فسارت اقامه نماید.

۲۰. هر گاه محکوم به انجام عمل معینی باشد و محکوم علیه از انجام آن امتناع ورزد و انجام عمل به توسط شخص دیگری ممکن باشد:

✓ مکوم له می تواند تحت نظر دادورز (مأمور اجرا) آن عمل را وسیله دیگری انجام دهد و هزینه آن را مطالبه کند و یا بدون انجام عمل هزینه لازم را به وسیله قسمت اجرا از مکوم علیه مطالبه نماید.

✓ در هر یک از موارد مذکور دادگاه با تحقیقات لازم و در صورت ضرورت با جلب نظر کارشناس میزان هزینه را معین می نماید.

✓ وصول هزینه مذکور و حق الزحمه کارشناس از مکوم علیه به ترتیبی است که برای وصول مکوم به نقدی مقرر است.

۲۱. در مورد مالی که وثیقه بوده یا در مقابل مطالباتی توقیف شده باشد محکوم له می تواند تمام دیون و خسارات قانونی را با حقوق دولت حسب مورد در صندوق ثبت یا دادگستری تودیع نموده تقاضای توقیف مال و استیفای حقوق خود را از آن بنماید در این صورت وثیقه و توقیفهای سابق فک و مال بابت طلب او و مجموع وجوه تودیع شده بلافاصله توقیف می شود.

۲۲. هر گونه نقل و انتقال اعم از قطعی و شرطی و رهنی نسبت به مال توقیف شده باطل و بلا اثر است.

۲۳. هر گونه قرارداد یا تعهدی که نسبت به مال توقیف شده بعد از توقیف به ضرر محکوم له منعقد شود:

✓ نافذ نخواهد بود مگر این که مکوم له کتباً رضایت دهد.

. ۲۴

✓ مال منقولی که در تصرف کسی غیر از محکوم علیه باشد و متصرف نسبت به آن ادعای مالکیت کند

یا آن را متعلق به دیگری معرفی نماید به عنوان مال محکوم علیه توقیف نخواهد شد.

✓ در صورتی که خلاف ادعای متصرف ثابت شود، مسئول جبران خسارت محکوم له خواهد بود.

۲۵. اموال منقولی که خارج از محل سکونت یا محل کار محکوم علیه باشد :

✓ در صورتی توقیف می شود که دلایل و قرائن کافی بر اهر از مالکیت او در دست باشد.

. ۲۶

✓ از اموال منقول موجود در محل سکونت زوجین آنچه معمولاً و عادتاً مورد استفاده اختصاصی زن

باشد متعلق به زن

✓ و آنچه مورد استفاده اختصاصی مرد باشد متعلق به شوهر

✓ و بقیه از نظر مقررات این قانون مشترک بین آنان محسوب می شود مگر این که خلاف آن ثابت

گردد.

۲۷. هر گاه مالی که نزد شخص ثالث توقیف شده عین معین یا وجه نقد یا طلب حال باشد شخص ثالث باید

در صورت مطالبه آن را به دادورز (مأمور اجرا) بدهد و رسید دریافت دارد این رسید به منزله سند تأدییه

وجه یا دین یا تحویل عین معین از طرف شخص ثالث به محکوم علیه خواهد بود.

۲۸. در موردی که شخص ثالث دین خود را به اقساط یا اجور و عوائدی را به تدریج به محکوم علیه می پردازد و محکوم له تقاضای استیفاء محکوم به را از آن بنماید دادورز (مأمور اجرا) به شخص ثالث اخطار می کند که اقساط یا عوائد و اجور مقرر را به قسمت اجرا تسلیم نماید.

۲۹. از حقوق و مزایای کارکنان سازمانها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و شرکتهای دولتی و شهرداریها و بانکها و شرکتهای و بنگاههای خصوصی و نظائر آن **در صورتی که داری زن یا فرزند باشند ربع و الا ثلث توقیف می شود.**

نکته ۱ - توقیف و کسر یک چهارم حقوق بازنشستگی یا وظیفه افراد موضوع این ماده جایز است مشروط بر این که دین مربوط به شخص بازنشسته یا وظیفه بگیر باشد.
نکته ۲ - حقوق و مزایای نظامیانی که در جنگ هستند توقیف نمی شود.

۳۰.

❖ اداره ثبت پس از اعلام توقیف در صورتی که ملک به نام محکوم علیه ثبت شده باشد:

✓ مراتب را در دفتر املاک اطلاع می دهد

❖ و اگر ملک در جریان ثبت باشد :

✓ در دفتر ملک بازداشتی و پرونده ثبتی قید نموده به قسمت اجرا اطلاع می دهد

❖ و اگر ملک به نام محکوم علیه نباشد :

✓ فوراً به قسمت اجرا اعلام می دارد

۳۱. در صورتی که عوائد یک ساله مال غیر منقول به تشخیص دادگاه برای اداء محکوم به و هزینه اجرایی کافی باشد و محکوم علیه حاضر شود که از عوائد آن ملک، محکوم به داده شود :

✓ عین ملک توقیف نمی شود و فقط عوائد توقیف و محکوم به از آن وصول

می گردد، در این صورت قسمت اجراء مکلف است مراتب را به ثبت ممل اعلام نماید.

۳۲. توقیف مال غیر منقول موجب توقیف منافع آن نمی گردد.

۳۳. هر گاه ملک مشاع باشد فقط سهم محکوم علیه به فروش می رسد مگر این که سایر شرکاء فروش تمام ملک را بخواهند در این صورت طلب محکوم له و هزینه های اجرایی از حصه محکوم علیه پرداخت می شود.

۳۴. - هر گاه نسبت به مال منقول یا غیر منقول یا وجه نقد توقیف شده شخص ثالث اظهار حقی نماید اگر ادعای مزبور مستند به حکم قطعی یا سند رسمی باشد که تاریخ آن مقدم بر تاریخ توقیف است. توقیف رفع می شود در غیر این صورت

عملیات اجرایی تعقیب می‌گردد و مدعی حق برای جلوگیری از عملیات اجرایی و اثبات ادعای خود می‌تواند به دادگاه شکایت کند.

۳۵.

- ✓ شکایت شخص ثالث در تمام مراحل بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه دادرسی رسیدگی می‌شود.
- ✓ مفاد شکایت به طرفین ابلاغ می‌شود و دادگاه به دلایل شخص ثالث و طرفین دعوی به هر نحو و در هر محل که لازم بداند رسیدگی می‌کند و در صورتی که دلایل شکایت را قوی یافت قرار توقیف عملیات اجرایی را تا تعیین تکلیف نهایی شکایت صادر می‌نماید.
- ✓ در این صورت اگر مال مورد اعتراض منقول باشد دادگاه می‌تواند با اخذ تأمین مقتضی دستور رفع توقیف و تحویل مال را به معترض بدهد.
- ✓ به شکایت شخص ثالث بعد از فروش اموال توقیف شده نیز به ترتیب فوق رسیدگی خواهد شد.
- ✓ محکوم‌له می‌تواند مال دیگری را از اموال محکوم‌علیه به جای مال مورد اعتراض معرفی نماید. در این صورت آن مال توقیف و از مال مورد اعتراض رفع توقیف می‌شود و رسیدگی به شکایت شخص ثالث نیز موقوف می‌گردد.

احکام مدنی صادر از دادگاه‌های خارجی در صورتی که واجد شرایط زیر باشد در ایران قابل اجراء است مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد:

- ۱ - حکم از کشوری صادر شده باشد که به موجب قوانین خود یا عهود یا قراردادهای احکام صادر از دادگاههای ایران در آن کشور قابل اجراء باشد یا در مورد اجراء احکام معامله متقابل نماید.
- ۲ - مفاد حکم مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه نباشد.
- ۳ - اجراء حکم مخالف با عهود بین‌المللی که دولت ایران آن را امضاء کرده یا مخالف قوانین مخصوص نباشد.
- ۴ - حکم در کشوری که صادر شده قطعی و لازم‌الاجراء بوده و به علت قانونی از اعتبار نیفتاده باشد.
- ۵ - از دادگاههای ایران حکمی مخالف دادگاه خارجی صادر نشده باشد.
- ۶ - رسیدگی به موضوع دعوی مطابق قوانین ایران اختصاص به دادگاههای ایران نداشته باشد.
- ۷ - حکم راجع به اموال غیر منقول واقع در ایران و حقوق متعلق به آن نباشد.
- ۸ - دستور اجراء حکم از مقامات صلاحیتدار کشور صادرکننده حکم صادر شده باشد